

فتح سومنات

بقلم آقای نصرالله فلفنی

۴

اهمیت سفر سومنات سفر سومنات در عالم اسلامی زمان سلطان محمود تأثیر فراوان کرد و موجب شهرت فوق العاده‌وی گردید. چه لشکر کشی از غزنین بساحل اقیانوس هند و عبور از بیابان بی آب و گیاه پر خطری مانند صحرای تار در آن عصر کار آسان نبود، خاصه که محمود بر بزرگترین پرستشگاه قوم متعصبی مانند مردم هند می تاخت و ناگزیر بود که از میان خاک دشمن بگذرد و برای رسیدن بمقصد خویش که کعبه دشمنان بود راهی سخت و دراز پیماید. باسپاهی عظیم سفر شش ماهه پیش گرفتند و با وسائل محدود آنصر از بیابانهای بی آب و گیاه سوزان و راههای نامعلوم پر خطر گذشتند، در خاک دشمنان متعصب بر بزرگترین معابد ایشان تاختند، باغنائم فراوان در سر زمین خصم راهی دراز پیمودن و سلامت بمقر حکمرانی خویش باز گشتن کاری بود که در آن زمان جز با تهور و بی باکی و شجاعت و مردی و تعصب سلطان محمود غزنوی انجام نمی پذیرفت. البته اگر در هندوستان حکومت مستقل واحدی وجود داشت محمود بدین سهولت بمقصد نمیرسید و یکی از عال عمده کامیابی او آن بود که در نواحی مختلف پنجاب و سند و گجرات رایان متعدد حکومت میکردند و چون در میان غالب ایشان آتش تفاق و دورویی روشن بود سلطان محمود توانست باسانی یکایک آنانرا از میان بردارد و در راه مقصد پیش رود. در هر حال لشکر کشی سلطان محمود بسومنات یکی از بزرگترین اعمال نظامی آن عصر محسوب میشود. بهمین

سبب نیز انتشار خبر فتح او در ممالک اسلامی زمان موجب شادمانی و حیرت فراوان مسالین گردید و چون نامه ای که محمود پس از بازگشت در شرح سفر خویش و ویران ساختن بتکده و کشتار هندوان بخلیفه القادر بالله نوشته بود بدو رسید سخت شادمان شد و نامه ای بافرمان حکومت خراسان و هندوستان و نیمروز و خوارزم نزد وی فرستاد و او را بافرزندان و برادران لقبهای تازه عطا کرد. چنانکه محمود را کهنف الدولة و الاسلام و پسرش مسعود را شهاب الدولة و جمال العله و پسر دیگرش محمد را جلال الدولة و جمال العله و امیر یوسف برادر شایه را عضدالدوله و مؤید العله لقب کرد و در جواب نامه محمود بدو نوشت که «تو هر که را خواهی ولیعهد خویش کن و اختیار تو اتفاق ماست» و نامه خلیفه در ماه شوال ۴۱۷ در شهر بلخ بساطان رسید.

پس از فتح سومنات سلطان محمود درزمره مردان نامی و فوق العاده روزگار درآمد و نویسندگان قرون بعد که او را وجودی فوق الطبیعه مینداشتند در باره وی افسانههای گوناگون و قصههای مختلفی ساختند که هیچیک در آثار معاصرین او یافت نمیشود. میتوان گفت که آخرین معجز بت سومنات جاودان ساختن نام محمود بود.

همراهان محمود
در سفر سومنات

مسند وزارت سلطان محمود هنگام لشکر کشی او بسومنات خالی بود، چه سلطان در آغاز سال ۴۱۶ ابوالقاسم احمد بن حسن میمندی وزیر خویش

را که از سال ۴۰۴ بجای ابوالعباس فضل بن احمد اسفراینی بدان مقام رسیده بود معزول و در قاعه کالنجر کشمیر حبوس ساخته بود. تا سال ۴۱۸ هم که ابوعلی حسن بن احمد میکال معروف به حسنک را بوزارت برگزید پیوسته در انتخاب وزیر مردد بود. بنابراین در سفر سومنات وزیری نداشت. پسران او محمد و مسعود نیز بگمان قریب یقین باوی همراه نبوده اند، چه از سال ۴۰۸ محمد را حکومت گوزگانان و مسعود را حکومت هرات داده بود و در لشکر کشیهای هندوستان با خود

نمی برد. از رجال دربار ابونصر مشکان صاحب دیوان رسائل و ابوالفضل بیهقی منشی دیوان مزبور و صاحب تاریخ معروف و امیر عالی قریب حاجب بزرگ و عضدالدوله امیر ابو یعقوب یوسف بن ناصرالدین برادر شاه که سه سالار بود و ابوالقاسم کثیر صاحب دیوان عرض و بکتغدی سالار غلامان و ابوالنجم ایاز بن ایماق، برخی یقین^۱ و برخی بقرائن تاریخی، با وی همراه بوده اند. حسنک میکال که پس از سفر سومنات در سال ۴۱۸ بوزارت رسید بنا بر امر سلطان در نیشابور مانده و با وی نرفته بود^۲. از شعرای معروف دربار محمود نیز فرخی مساماً با او در سفر سومنات همراه بوده است. چه در ضمن قصیده ای که در گزارش این سفر ساخته، آنجا که سخن از شکستن بت سومناتست صریحاً خود را از همراهان سلطان می شمارد و میگوید:

خدای حکم چنان کرده بود کانت را / ز جای بر کند این شهریار دین پرور
بدان نیت که مر آنرا بمکه باز برد / بکند و باما اکنون همی برد هم بر

قصائد شعرادر
فتح سومنات
شعرای دربار محمود در فتح سومنات قصائدی ساخته بوده اند که از آنجمله دو قصیده از فرخی و قسمتی از یک قصیده عسجدی در دست است.

از عنصری ملك الشعراى دربار محمود شعری مخصوص فتح سومنات دیده نشده و در قصیده ای هم که بمطاع:
ابا شنیده هنرهای خسروان بخر / بیا ز خسرو مشرق عیان بین تو هنر

« ساخته، و اتفاقاً با قصیده معروف فرخی در فتح سومنات يك وزن و قافیه است، با آنکه قسمتی از فتوحات معروف محمود را نام برده از فتح سومنات سخنی نگفته است و ازینرو چنین برمی آید که آن قصیده را پیش از سال ۴۱۶ سروده است.

۱ - ابوالفضل بیهقی در تاریخ خویش همراه بودن خود را با سلطان در سفر سومنات تصریح کرده مینویسد: «... و چون از غزو سومنات باز آمدم امیر محمود نامه ای فرستاد...» بیهقی چاپ طهران ص ۲۴۲
۲ - تاریخ بیهقی چاپ طهران ص ۲۰۷



آنچه مسام می نماید اینست که قصیده فرخی بهترین قصائد شعرا در فتح سومنات بوده است، چه سلطان آنرا از اشعار دیگران برتر شمرده و فرخی را يك پیل وار (يك بار پیل) زر بخشیده است^۱.

شاید سبب برتر شمردن قصیده فرخی گذشته از روانی و جزالت و خوبی الفاظ و شیرینی کلمات، دقت او در بیان جزئیات و وقایع و ذکر اسامی یکایک قلاع و شرح معائب راه و عقاید کفار و مخصوصاً مدح بسیار غرا و دلپسند او در پایان قصیده از سلطان بوده است. اساساً فرخی گذشته از لحاظ ادبی و حسن انتخاب او در مضامین و استادی در تعزل برتری دیگری نیز بر معاصران خویش داشته است. این شاعر شیرین زبان هیچگاه در قصائد خود از بیان وقایع تاریخی و شرح اخلاق و احوال و کارهای بزرگ ممدوحین دریغ نکرده و مانند سایر معاصرین خود، که عنصری را نیز از آن جمله باید شمرد، بنیان قصائد را تنها بر مدح ممدوح و اغراقهای شاعرانه استوار نساخته است، بهمین سبب از دیوان او در تاریخ غزویان استفاده بسیار میتوان کرد و اخلاق و صفات ممدوحین او را بخوبی میتوان دریافت.

چنانکه در -طور فوق اشاره شد از فرخی در فتح سومنات دو قصیده در دست است، یکی در ۱۷۵ بیت که فی الحقیقه تاریخچه ای از سفر سومنات است و دیگری در ۳۷ بیت که در آن از گمراه شدن محمود هنگام مراجعت و افتادن او با سپاه بیابانی بی آب و گیاه و یافتن آب در عقب روشنائی که از جانبی پدید آمده است سخن رانده. فرخی هر دو قصیده خویش را هنگام مراجعت از سومنات بغزنین در راه ساخته است و متن کامل قصائد دوگانه او که نگارنده با نسخ متعدد مقابله کرده و با تاریخ نیز تطبیق نموده است در اینجا طبع میشود: